

ضرورت و اهمیت مدیریت از نظر اسلام

مقدمه

فرد در یک مجموعه روی سایر افراد می‌گذارد لذا در آن مجموعه هر کس به نسبت تاثیری که روی افراد دارد و نقشی که بعهده می‌گیرد بهمان نسبت نقش مدیریت را ایفا کرده است^۱.

در بحث مربوط به مدیریت گاهی مدیریت را به مفهوم خاص مدیریت سازمانها که امروز در کتب مربوط به مدیریت مطرح است گرفته‌اند و گاهی به مفهوم عام آن که شامل رهبری و هدایت در هر سطح و برای هر مجموعه‌ای از انسانها می‌گردد.

از نظر لغت، کلمه مدیر از مصدر اداره است (مدیر به معنای اداره کننده، اسم فاعل است مانند مقیم که به معنای اقامت کننده می‌باشد). کلمات مدیر، مدیریت و اداره در اصل از ماده دَوَّر گرفته شده که مصدر آن

انسان از آغاز پیدایش خود و تا جایی که تاریخ مدون او نشان می‌دهد زندگی خود را بصورت دسته جمعی و گروهی داشته است که لازمه آن تقسیم کار و مسئولیت و درجه بندی نقش افراد در گروه می‌باشد، و اگر مفهوم رهبری و مدیریت را بصورت نسبی بپذیریم هر نوع تقسیم وظائف، بین گروهی از مجموعه انسانها، مبین نوعی تقسیم بندی اهمیت افراد در گروه و در نتیجه نشان دهنده نوعی طبقه بندی مدیریت یا رهبری است. این مفهوم از آنجا نتیجه می‌شود که امروز در تعریف مدیریت یا رهبری گفته‌اند که در هر مجموعه‌ای از انسانها موضوع بودن یا نبودن رهبر یا مدیر مطرح نیست بلکه موضوع میزان درجه تاثیر آن است چرا که مدیریت عبارت از تاثیری است که یک

۱ - اصول و مبانی مدیریت، نوشته دکتر عبدالله جاسبی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی بهار ۱۳۶۸، صفحه ۲۰۹.

دوران یعنی گردیدن است. بدین ترتیب مدیر به معنای گرداننده می‌باشد.

در صورتی که مدیریت را به معنای گرداندن بگیریم شامل هر نوع مدیریت در هر سطح می‌گردد و آنوقت می‌توان مفاهیمی چون رهبری، هدایت، و امامت را نیز از موارد شمول آن دانست.

همه مکتبها اعم از مکتبهای مدیریت (مکتب کلاسیک، مکتب روابط انسانی، مکتب سیستم‌های اجتماعی، و...) یا مکتبهای فلسفی و اجتماعی اذعان دارند که بشر برای ادامه حیات اجتماعی خود و رشد و تعالی زندگی نیازمند رهبران و مدیران است. اختلافاتی که در مکتب‌های مختلف در این مورد وجود دارد مربوط به نیاز خصوصیات رهبران و نحوه گزینش آنها می‌باشد.

تاریخ بشر بیشتر از هر چیز دیگر اهمیت و نقش رهبران و مدیران را ترسیم کرده است، بطوری که برخی از مورخین و نویسندگان تمام پیروزی‌ها و شکست‌ها، سازندگی‌ها و ویرانگریها و بالاخره سعادت و شقاوت بشر را در طول تاریخ مرهون رهبری‌های صحیح یا ناصحیح دانسته‌اند و هیچ عاملی را چون مدیریت و رهبری برای سعادت و تعالی انسان موثر و نافذ نمی‌دانند.^۲

در اسلام مدیریت و رهبری به عنوان یک اصل ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای ادامه حیات انسان بحساب آمده است. قرآن و احادیث و روایات اسلامی، رهبری را در دو جهت الهی و شیطانی مورد بحث قرار داده‌اند و سرنوشت انسان را با میزان اطاعت از رهبرانی که آن‌ها را بسوی حق و حقیقت دعوت کرده‌اند و یا آنان را بسوی دوزخ و شقاوت می‌خوانند

وابسته می‌دانند.

ضرورت و اهمیت مدیریت

برای نشان دادن اهمیت رهبری و مدیریت از نظر اسلام به ترتیب آیات یا روایاتی که در این زمینه جمع‌آوری شده است ذیلاً مطرح و در هر مورد در صورت لزوم توضیح داده می‌شود.

۱- قرآن - سوره نازعات آیه ۵

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

«پس سوگند به تدبیرکنندگان کارها»

خداوند در این آیه به فرشتگان اداره کننده کارها سوگند یاد می‌کند، خداوند خود نیز مدبر است همانطور که در دعای جوشن کبیر بند ۲۵ آمده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمِكَ يَا مُصَوِّرِيَا مُقَدِّرِيَا

مُدَبِّرِيَا...

«خدایا از تو درخواست می‌کنم بنام تو ای صورت آفرین،

ای تقدیرکننده، ای تدبیرکننده...»

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اولاً تدبیریکی از خصوصیات احدیت است ثانیاً آنقدر این امر مهم است که خداوند به تدبیرکنندگان سوگند یاد می‌کند و تدبیر در امر یعنی به عاقبت کار نگاه کردن، معنی لغوی تدبیر پشت سر گذاشتن چیزی است.

۲- قرآن - سوره بقره آیه ۳۰

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ

خَلِيفَةً قَالُوا...

«و هنگامیکه پروردگار تو به ملائکه گفت هر آینه در

زمین خلیفه‌ای قرار خواهم داد گفتند...»

این آیه نشان می‌دهد که خداوند اولین انسانی را که خلق نمود به عنوان خلیفه خود در روی زمین قرار

۲- مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، مولف عباسعلی اختری، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۶۹ صفحه ۳۴ و ۳۵.

جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا

و چون خدا ابراهیم را به اموری آزمایش کرد و از عهده آنها برآمد خدا به او گفت که من ترا رهبر و پیشوا قرار می‌دهم (۴) آیه ۷۴ سوره فرقان:

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

و کسانی که می‌گویند خدایا به ما همسرانی و فرزندان عطا کن که روشنی چشم ما باشد و ما را برای پرهیزکاران پیشوا و رهبر قرار ده.

در حالی که در آیات زیر امام را به عنوان رهبری که پیروان خود را به سوی ظلمت و آتش می‌کشاند معرفی می‌نمایند.

(۱) سوره قصص آیه ۴۱

وَاجْعَلْنَا لَهُمْ آيَةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ

«و قرار دادیم برای آنها پیشوایی که آنها را بسوی آتش می‌خوانند»

(۲) سوره توبه آیه ۱۲

فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا إِيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

«پس پیشوایان کفر را بکشید که آنها را عهد و سوگند

استواری نیست. باشد که دست بردارند.»

۴ — حدیثی است که شیعه و سنی آن را از امام

علی بن موسی الرضا (ع) نقل می‌کنند که حضرت در

تفسیر آیه ۷۱ سوره اسراء می‌فرماید:

يَدْعَى كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمَامٍ زَمَانِهِمْ وَكِتَابٍ رَبِّهِمْ وَسُنَّةٍ

نَبِيِّهِمْ

«در آن روز هر قوم می همراه امام زمانشان و کتاب

پروردگارشان و سنت پیامبرشان خوانده می‌شوند»^۳

۵-باز از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

أَلَا تَحْمِدُونَ اللَّهَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِدْعَا كُلِّ قَوْمٍ إِلَى

داد و به عبارت دیگر رهبری و هدایت آنقدر مهم است که قبل از شروع زندگی بشر در زمین، خداوند حضرت آدم را به عنوان خلیفه الله که بصورت رهبر و حجت خدا و پیغمبر است می‌فرستد در حالی که مسیر عادی تکامل ایجاد می‌کرد که گروهی از انسانها بیایند و پس از طی مراحل ترقی و تکامل، از میان آنها یکی به مرحله نبوت و پیغمبری برسد.

قرآن در حقیقت نشان می‌دهد که اولین انسانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد عنوان خلیفه خدا، پیغمبر خدا و حجت خدا را دارد و کلمه جاعل (اسم فاعل) بیان کننده این موضوع است که هیچگاه انسان در روی زمین بدون حجت و رهبر نخواهد بود^۳.

۳ — در قرآن کلمه امام بصورت مفرد و جمع در موارد زیادی بکار رفته است که به معنای رهبر می‌باشد اما این کلمه در هر دو جهت هدایت و ضلالت کاربرد دارد.

در آیات زیر امام به عنوان هادی برای هدایت بشر بسوی خدا و سعادت می‌باشد.

(۱) آیه ۷۳ از سوره انبیاء می‌فرماید:

وَاجْعَلْنَا لَهُمْ آيَةً يَدْعُونَ بِأَمْرِنَا

«ما آنها را پیشوایان هادی به امر خودمان قرار دادیم»

(۲) آیه ۵ سوره قصص:

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ

نَجْعَلَهُمْ آيَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

و می‌خواهیم بر مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنها را رهبران و وارثان قرار دهیم.

(۳) آیه ۱۲۴ سوره بقره:

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رُبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي

۳ — امامت و رهبری، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا صفحات ۱۸۷ و ۱۸۸.

۴ — تفسیر مجمع البیان — ذیل آیه مورد بحث — نقل از طرحی نور عقاید اسلامی — جلد دوم سازمان تبلیغات اسلامی — ۱۳۶۷ صفحه ۳۶۱.

مَنْ يَقُولُوهٗ وَدَعَانَا إِلَى رِسْوَالِ اللَّهِ وَفَرَعْتُمْ إِلَيْنَا فَاَلَىٰ أَيْنَ تَرَوْنَ يَذْهَبُ بِكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَرَبَّ الْكَعْبَةِ قَالَهَا ثَلَاثًا

«آیا شما حمد و سپاس خدا را بجا نمی‌آورید؟ هنگامی که روز قیامت می‌شود خداوند هر گروهی را یا کسی را با کسی که ولایت او را پذیرفته می‌خواند، ما را همراه پیامبر (ص) و شما را همراه ما، فکر می‌کنید در این حال شما را به کجا می‌برند، به خداوند کعبه به سوی بهشت — سه بار امام این جمله را تکرار کرد»^۵

در این روایت همانطور که ملاحظه می‌شود آنقدر به امام یا رهبر اهمیت داده شده است که سرنوشت مردم با امام و رهبر آنها گره خورده است. این بدین معنی است که رهبران و مدیران جامعه آنقدر روی افراد اثر می‌گذارند که بهر سو بخواهند آنها را می‌کشاند و لذا دارای سرنوشت مشترکی می‌گردند.

۶ — از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که:

مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً

«کسی که بدون امام و رهبر از دنیا برود مرگ او مرگ جاهلیت است»^۶

این روایت اهمیتی را که اسلام برای وجود امام و ضرورت رهبری قائل است نشان می‌دهد و اینکه بدون رهبری و مدیریت امکان نجات و هدایت نیست و مرگ آنها را مرگ جاهلیت قبل از اسلام می‌داند.

۷ — علی علیه السلام خطاب به کمیل می‌فرماید:

اللَّهُمَّ قَلْبِي لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهراً مَشْهُوراً وَإِمَا خَائِفاً مَعْمُوراً لِئَلَّا يَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ.

«آری بخدا سوگند زمین هرگز خالی از حجت نیست، خواه ظاهر و آشکار باشد یا ترسان و پنهان تا نشانه‌های الهی و

دلایل فرمان او از میان نرود»^۷

این گفتار علی علیه السلام نشان می‌دهد که وجود رهبری و امامت اعم از آنکه برحسب شرایط زمان و مکان آشکار یا پنهان باشد امری حتمی و لازم است و بدون آن امکان هدایت انسان برای رسیدن به سر منزل مقصود نیست.

۸ — امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرماید:

إِنَّا لَأَنْجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَلَا مَلَّةَ مِنَ الْمَلَلِ بَهْوًا وَعَاشُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَرَبِّسَ لَمَّا لَا بُدَّ لَهُمْ فِيهِ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا

«در مطالعه احوال بشر هیچ گروه و ملتی را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر بوجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آنانرا مدیریت نماید»^۸

شاید هیچ مکتبی با این روشنی اهمیت رهبری و مدیریت را بیان نکرده باشد که موفقیت و پایداری یک ملت را در امور مادی و معنوی مرهون آن بداند.

۹ — از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

لَا يَسْتَعْنِي أَهْلِي كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ يَقْرَعُ إِلَيْهِ أَمْرٌ دُنْيَاهُمْ وَأَخْرَجَتْهُمْ، فَإِنْ عَدَمُوا ذَلِكَ كَانُوا هُمُجَا:

فَقِيَهُ عَالِمٌ وَرَجُلٌ

وَأَمِيرٌ خَيْرٌ مُطَاعٌ

وَظَلِيمٌ بَصِيرَةٌ

مردم هر اجتماع از سه گروه بی‌نیاز نیستند، تا امور دنیا و آخرت خود را بوسیله آن سه دسته انجام دهند و هرگاه اجتماع فاقد آن سه باشد افراد آن جامعه بصورت حیوانات ضعیفی درخواهند آمد.

(۱) — فقیهی آگاه و پرهیزگار

(۲) — مدیری خیرخواه و مسلط

۵ — همان ماخذ، همانجا. ۶ — همان ماخذ صفحه ۳۶۲ (همچنین کتاب امامت و رهبری مرتضی مطهری — صفحه ۵۹) ۷ — همان ماخذ، صفحه ۳۶۳.

۸ — بحار، ج ۲۲، ص ۳۲، نقل از نگرشی بر مدیریت اسلامی، سید رضا تقوی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، صفحه ۴۸.

عهده دار امور تربیتی و پرورش آنها هستی چرا که جاهل زیر دست عالم است و باید تحت رهبری او قرار گیرد و سپس حق کسانی است که تو سرپرست آنان بوده و عهده دار تمثیت امور مالی و اقتصادیشان هستی و رفتار و خواست تو، در آنها تاثیر دارد همانند همسر و زیردستان»^{۱۱}

۱۳ - علی علیه السلام نظر خوارج را مبنی بر اینکه حکومت و مدیریت مربوط به خداوند است و بشر نمی تواند حکمی را صادر نماید نظری غلط و انحرافی می داند و در مقابل بیان آنها «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» «نیست حکمی مگر از جانب خدا» عبارت زیبایی زیر را بیان می کند:

كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ نِعَمٌ أَنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ
وَلَكِنَّ هَوْلَاءَ يَقُولُونَ لَا إِفْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ
بِرَّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِفْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا
الْكَافِرُ...»^{۱۲}

سخن حقی است که از آن اراده باطل می شود، آری نیست حکمی مگر از جانب خدا و لیکن خوارج می گویند امارت و ریاست مخصوص خداوند است، و حال آنکه ناچار برای مردم امیری لازم است خواه نیکوکار یا بدکار باشد، مومن در امارت و حکومت او به طاعت مشغول است و کافر بهره خود را می یابد:

بدین ترتیب لزوم رهبر و مدیر را برای جامعه اعلام می کند خواه این مدیر صالح باشد یا فاجر چرا که جامعه بدون رهبری و مدیریت امکان ادامه حیات حتی برای کوتاه مدت را ندارد.

(۳) - پزشکی صادق در کار و مورد اعتماد^۱

۱۰ - پیامبر اکرم تا جایی مدیریت را مورد توجه قرار می دهد که اعلام می کند در مسافرت چنانچه تعداد مسافران به سه نفر برسد یک نفر از آنها لازم است مسئولیت گروه را بپذیرد. والا در انجام کارها و برنامه ها خلل ایجاد خواهد شد.

قال النبی (ص): إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ

«پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هر گاه در مسافرت تعداد مسافران به سه نفر رسید باید یکی از آنها مدیریت گروه را مسئول شود»^{۱۰}

۱۱ - از حضرت صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ

«هر گاه زمین بدون امام باشد از بین می رود»

این روایت ضمن اینکه از لزوم شجره طیبه امامت سخن می گوید، زمین (زندگی، انسان) را بدون رهبر و امام قابل دوام نمی داند.

۱۲ - امام سجاد (ع) در رساله حقوق می فرماید:

وَحُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقُّ رَعِيَّتِكَ
بِالسُّلْطَانِ، ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ، فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ
الْعَالِمِ، وَحَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْمَلِكِ مِنَ الْأَزْوَاجِ وَمَا مَلَكَتْ مِنْ
الْإِيمَانِ

«و حقوق زیردستان و آنانکه تحت رهبری تو هستند نیز بر سه قسم است، واجب ترین آنها حق کسانی است که تو عهده دار اداره آنان هستی، بعد حق کسانی است که تو

۹ - تحف العقول، ص ۳۲۱، نقل از همان ماخذ صفحه ۴۷ تا ۴۸

۱۰ - تاریخ فخری، ص ۶۷، نقل از همان ماخذ صفحه ۴۸ (و یا امامت و رهبری، مرتضی مطهری - صفحه ۲۱۱).

۱۱ - مناسبات انسانی در مدیریت اسلامی - سید محمود حسینی سیاهپوش صفحه ۱۴۲ و ۱۴۳.

۱۲ - نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۴۰، صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶.

خلاصه و نتیجه گیری

مورد استفاده قرار گرفته است مفهومی وسیعتر و جامعتر از مدیر و رهبر را دارا است ولی به لحاظ ارتباط موضوع تنها بعد رهبری و مدیریت آن در این مقاله مورد استفاده قرار گرفت و توضیح و تفسیر جامع آن نیاز به بحث مستقل و جداگانه ای دارد. اکنون که لزوم مدیریت و رهبری اعم از اسلامی یا غیراسلامی برای ادامه حیات یک جامعه ضروری است، شرکت آحاد مردم در انتخاب مدیران و رهبران و نشان دادن حساسیت نسبت به عملکرد آنها یک وظیفه اسلامی است چرا که رها کردن آن و بی تفاوت بودن نسبت به آن میدان را به دست مخالفین و معاندین می سپارد.

اختلاف مکاتب گوناگون در ارتباط با مدیریت معمولاً بر سر شیوه های مدیریت است نه لزوم آن و موارد نادری به چشم می خورد که اصل وجود مدیریت و رهبری را مورد انکار یا تردید قرار دهند معهذآ چه در مکاتب مادی و چه در مکتب اسلام این موارد نادر با تفکر عدم نیاز به حکومت و حکم توسط بشر گاهی منشاء مشکلات و گرفتاریهائی شده اند. اسلام بعنوان یک مکتب پویا لزوم مدیریت و رهبری را بصورت قاطع و همه جانبه ای مورد تاکید قرار می دهد که در این مقاله استنادات قرآنی و روایتی آن را مورد توجه قرار دادیم. شایان ذکر است که کلمه امام که در این مقاله